



فرصت‌ها و چالش‌های الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون وین راجع به مسئولیت مدنی در قبال خسارات هسته‌ای

علیرضا شمشیری*، فرشته امیرآبادی فراهانی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، صندوق پستی: ۱۱۵۵۶۶۶۸۶۳، ایران - تهران

چکیده: جمهوری اسلامی ایران امروزه به عنوان یک کشور هسته‌ای شناخته می‌شود و هرروز به فعالیت‌های هسته‌ای آن افزوده می‌شود. با این حال در خصوص مسئولیت‌های ناشی از مخاطرات احتمالی، چاره‌اندیشی نشده است. از اقداماتی که کشورهای پیشتاز هسته‌ای، علاوه بر تدوین قانون خاص مسئولیت مدنی برای این گونه فعالیت‌ها داشته‌اند، عضویت در کنوانسیون‌های مربوطه است. این کنوانسیون‌ها از جمله کنوانسیون وین، با رعایت اصول اساسی حاکم بر مسئولیت مدنی ناشی از مخاطرات هسته‌ای تنظیم شده است. از جمله مزایای عضویت در کنوانسیون مذکور می‌توان به تعیین متصدی به‌عنوان مسئول و محدود کردن مسئولیت وی در زمان، میزان و مطلق بودن مسئولیت وی و مانند آن که همگی به توسعه‌ی صنعت هسته‌ای کمک می‌کنند اشاره کرد. در بعضی موارد، جبران خسارت، به حقوق داخلی ارجاع شده است که با وجود امتیازاتی که به منظور پرهیز از ناهماهنگی در نظام حقوقی کشورها در حل مسائل خاص دارد، در کشور ما که قانون خاص در این زمینه نداریم در واقع چالش محسوب می‌شود. بنابراین ضرورت تدوین قانون خاص در حقوق ایران، که متناسب با مخاطرات احتمالی باشد بیش از پیش نمایان می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: خسارات هسته‌ای، کنوانسیون ۱۹۹۷ وین، مسئولیت مدنی، نظام حقوقی ایران

Opportunities and Challenges of Islamic Republic of Iran's Accession to the Vienna Convention on Civil Liability for Nuclear Damage

A. Shamshiri*, F. Amirabadi Farahani
Islamic Azad University Central Tehran Branch, P.O.Box: 1155666863, Tehran-Iran

Abstract: Nowadays the Islamic Republic of Iran is known as a nuclear state and It's nuclear activities are increasing every day. However it has not been thought about liability for potential hazards of these damages. Leading nuclear countries, in addition to developing a civil liability law on nuclear activities, have become parties to the relevant conventions. These conventions including the Vienna Convention are based on the basic principles governing civil responsibility for nuclear events. The benefits of membership in the convention are: channeling of liability to operator, limitation of liability in amount and time, operator's absolute liability and ... that they contribute to the development of the nuclear industry. In some cases, the compensation is referred to domestic law which despite its benefits for avoiding inconsistencies in the legal system of countries in solving specific problems, In our country, because of the lack of specific civil nuclear legislation, it is actually a challenge. Therefore legislation in this field is more necessary.

Keywords: Nuclear Damage, 1997 Vienna Convention, Civil Liability, Iranian Legal System



۱. مقدمه

ورود ماشین و تکنولوژی به چرخه‌ی تولید و کارایی فوق‌العاده‌ی آن، همواره با مخاطرات جدی همراه بوده است و از طرفی جبران خسارت زیان‌دیده با استفاده از قواعد سابق مسئولیت مدنی از قبیل نظریه‌ی تسبیب که مبتنی بر تقصیر است ممکن نبوده است. از این رو تئوری‌های جدیدی از قبیل نظریه‌ی خطر، وارد حوزه‌های مسئولیت مدنی شده است. همین موضوع به طریق اولی در عرصه‌ی فعالیت‌های هسته‌ای نیز صدق می‌کند و امکان حل مخاطرات پیچیده‌ی حاصل از این فعالیت طبق تئوری‌های سابق وجود نداشت. به همین دلیل در مباحث حقوق هسته‌ای، موضوع مسئولیت مدنی هسته‌ای نیز به‌طور ویژه مورد توجه نظام‌های حقوقی قرار گرفت.

رژیم جبران خسارت در حوادث هسته‌ای یک رژیم خاص است و برخی از اصول آن منحصر به همین نوع رژیم جبران است، مانند اصل کانالیزه کردن مسئولیت و اصل محدودیت مسئولیت (هم از جنبه‌ی زمانی و هم از جنبه‌ی میزان مسئولیت). اتفاقاً مفاد و عملکرد برخی از آن‌ها مغایر قواعد عمومی مسئولیت مدنی است. با توجه به اهمیت مطالب مذکور، امروزه بسیاری از کشورهای هسته‌ای به تبیین و دخالت دادن رژیم خاص جبران خسارت هسته‌ای در نظام‌های حقوقی خود، اعم از تصویب قوانین خاص و یا عضویت در کنوانسیون‌ها و در بیش‌تر موارد هر دو مورد اقدام کرده‌اند.

در نظام حقوقی ایران با وجود رویکرد حاکمیت و ملت در اقبال به فعالیت‌های هسته‌ای، متأسفانه از یک طرف بستر حقوقی مناسبی برای داشتن رژیم خاص جبران خسارت ناشی از حوادث هسته‌ای وجود ندارد و در صورت بروز حوادث هسته‌ای (که با توجه به تهدیدات موجود محتمل نیز است) ممکن است منجر به پیامدهای جدی و جبران‌ناپذیری شود. از طرف دیگر، وجود پتانسیل‌های بسیار خوب برخی از قواعد عمومی مسئولیت مدنی خصوصاً در ابعاد فقهی که به واسطه‌ی اصل ۱۶۷ قانون اساسی در مواقع سکوت قانون‌گذار باید ملاک عمل قرار گیرد، ممکن است اتفاقاً تهدیداتی جدی را به همراه داشته باشد؛ مانند قاعده‌ی لاضرر که کلیه‌ی

خسارات حادث شده، اعم از عناوین جدید خسارات مانند خسارت اقتصادی محض را نیز در برمی‌گیرد. هم‌چنین ممکن است، خسارات قابل جبران طبق این قاعده‌ی فقهی حتی فراتر از خسارات قابل جبران کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی هسته‌ای شود و قطعاً مشکلاتی در مرحله‌ی جبران پیش خواهد آورد.

در کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی هسته‌ای، یک سری اصول به عنوان اصول اساسی برای جبران خسارات هسته‌ای شناخته شده‌اند که در واقع خلاصه‌ای از مهم‌ترین مباحث حقوق مسئولیت مدنی ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای بیان شده است و علاوه بر این که موجب ایجاد هماهنگی میان قوانین داخلی کشورها می‌شود، کشورهای متعهد را به دست‌یابی به اهدافی در سطح بین‌المللی مانند حذف احتمال تبعیض بین قربانیان و تضمین این که مدعیان در کشورهایی با قوانین متعدد باید اختلافات خود را با توجه به قوانین مشابه صرف نظر از محل حادثه حل کنند، ترغیب می‌کند [۱].

نکته قابل تأمل این است که برخلاف برداشت اولیه و ظاهر این اصول، بسیاری از آن‌ها به دنبال محدودیت مسئولیت جبران خسارت برای مسئول یا مسئولین این گونه حوادث هستند تا به دلیل مسئولیت‌های سنگین (که بر اساس قواعد عمومی مسئولیت مدنی بار خواهد شد) از مزایای بی‌شمار و انحصاری این گونه فعالیت‌ها غفلت نشود و ترس از مسئولیت موجب تعطیلی فعالیت‌های هسته‌ای نشود.

در بیان فرصت‌ها و چالش‌های الحاق ایران به کنوانسیون وین، با در نظر گرفتن اصول اساسی جبران خسارات هسته‌ای طبق کنوانسیون وین، وضعیت حقوقی ایران در رابطه با هر یک از آن‌ها بررسی خواهد شد این مقایسه و بررسی ممکن است از جهاتی با شناسایی مفاهیم و پدیده‌های خاص حقوقی، فرصت‌های بسیار خوب و حتی ضروری برای گسترش فعالیت‌های هسته‌ای را به همراه داشته باشد، و از سوی دیگر به دلیل برخی ملاحظات همین اصول و شناسایی آن‌ها و بالتبع قبول آثار آن‌ها ممکن است چالش‌هایی را به دلیل برخی خلأهای قانونی ایجاد کند. البته در نگاه جامع و کلی‌تر این چالش‌ها به خودی خود مشکل ایجاد نخواهد



کشورهای نادر از قبیل آلمان نیز به تبعیت از کنوانسیون‌های مزبور، در حقوق داخلی، انتقال مسئولیت به سمت متصدی تأسیسات را مقرر داشته‌اند.

این اصل که در واقع نشان‌دهنده‌ی مسئولیت منحصر به فرد متصدی تأسیسات هسته‌ای است، دو ویژگی مهم دارد. نخست این که مسئولیت، به طور قانونی به متصدی تأسیسات هسته‌ای منتقل می‌شود و سایر افرادی که تحت قوانین عام مسئولیت مدنی به طور بالقوه مسئول شناخته می‌شوند را مبرا از مسئولیت می‌کند. دومین ویژگی این است که متصدی در خارج از چارچوبی که کنوانسیون وین مبین آن است، هیچ مسئولیتی ندارد و او را نمی‌توان بر طبق سایر مقررات قانونی به عنوان مثال قانون مسئولیت مدنی، مسئول دانست. این اصل یکی از ویژگی‌های خاص حقوق مسئولیت هسته‌ای است که به سایر حوزه‌های حقوقی هیچ شباهتی ندارد [۳]. مهم‌ترین دلایل ذکر شده برای پذیرش ضرورت این اصل شامل موارد زیر است:

الف. پذیرش این اصل باعث اجتناب از مسائل دعاوی متقابل پیچیده‌ی حقوقی است و بار اثبات ادعا را از دوش قربانیان برداشته و متصدی را مسئول می‌داند.

ب. با انتقال مسئولیت به متصدی، ضرورت داشتن بیمه برای کلیه‌ی افراد دست‌اندر کار احداث و یا فعالیت تأسیسات هسته‌ای، مرتفع می‌شود. البته خود متصدی باید بیمه‌ی مسئولیت داشته باشد که در نتیجه‌ی این امر، منجر به تمرکز ظرفیت بیمه‌ی موجود می‌شود [۲].

پ. عدم شناسایی این اصل ممکن است از توسعه‌ی صنعت هسته‌ای جلوگیری کند. زیرا تأمین‌کنندگان مواد و تجهیزات هسته‌ای و افراد مسئول حمل و نقل در مواجهه با مشکلات عمده‌ای که راجع به دعاوی مسئولیت برایشان ممکن است پیش آید، در ابتدا از ورود به حوزه‌ی فعالیت‌های هسته‌ای خودداری می‌کنند.

ت. در صورت فقدان اصل فوق، فعالان حوزه‌های مختلف صنعت هسته‌ای که ممکن است مسئول شناخته شوند مجبور به اخذ بیمه شوند که هزینه‌ی زیادی را بر آن‌ها تحمیل می‌کند.

کرد، بلکه به دلیل وضعیت خاص نظام حقوقی ما و لوازم ضروریات اختصاصی حقوق هسته‌ای این چالش‌ها را ممکن است ایجاد کند.

۲. فرصت‌های الحاق به کنوانسیون وین

با الحاق به کنوانسیون وین و پذیرش اصول مسئولیت مدنی مندرج در آن، یکسری اصول، نهادهای حقوقی جدیدی را در حقوق ایران شناسایی می‌کنند و بعضی دیگر نهادهای موجودی را که البته در مواقع نادری کاربرد دارند، توسعه می‌دهند. بنابراین، این اصول به تفکیک مورد بررسی خواهند گرفت.

۱.۲ شناسایی نهادهای حقوقی

۱.۱.۲ اصل انتقال قانونی مسئولیت به متصدی (کانالیزه کردن مسئولیت) (۲۹۱)

در فعالیت‌های هسته‌ای گروه‌های متعددی از قبیل مراکز تحقیقاتی و توسعه‌ای، تهیه‌کنندگان مواد هسته‌ای و منابع تشعشع یونیزه‌کننده، متخصصان پزشکی، شرکت‌های مهندسی - معماری و متصدیان تأسیسات هسته‌ای و نهادهای ناظر نقش فعال دارند. مسئله‌ی مهمی که در این میان وجود دارد، تعیین مسئول حفظ ایمنی فعالیت هسته‌ای و جبران خسارت ناشی از حوادث رخ داده در نیروگاه‌های هسته‌ای از بین اشخاص مربوطه است.

در حقوق مسئولیت مدنی هسته‌ای به سبب ویژگی‌های منحصر به فردی که در رویدادهای هسته‌ای وجود دارد، این اصل که هر شخص مسئول جبران خسارات ناشی از اعمال خود است، کنار گذاشته، و اصل دیگری جایگزین آن شده است. اگرچه برخی معتقدند که همه‌ی اشخاص مربوطه، مسئولیت حفاظت از ایمنی را دارند، اما نظر غالب آن است که متصدی یا صاحب امتیازی که مجوز فعالیت هسته‌ای دارد «مسئول اصلی» حفظ ایمنی است [۲].

کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی هسته‌ای، در عمل با کانالیزه کردن مسئولیت مدنی به سمت متصدی تأسیسات هسته‌ای، در شناسایی مسئول معینی که همگان او را می‌شناسند، کوشیده‌اند و بسیاری از کشورها به غیر از برخی



باید به دنبال اثبات تقصیر و اقامه‌ی دعوا علیه افراد مختلفی باشد که به نحوی در وقوع حادثه دخیل بوده‌اند که البته این امر عملاً به سبب پیچیده و تخصصی بودن فعالیت‌های هسته‌ای و هزینه‌بر بودن اقامه‌ی دعوا علیه تمام افرادی که در ایجاد حادثه تقصیر داشته‌اند، از توان قربانیان حادثه خارج بوده و حتی در صورت امکان اثبات تقصیر، مسئول حادثه توان جبران ندارد. در نتیجه، خسارات غیرقابل جبران باقی خواهند ماند. بنابراین پیوستن به کنوانسیون، به نوعی امکان جبران خسارت برای قربانیان را تضمین می‌کند.

۲.۱.۲ محدودیت میزان مسئولیت^(۳)

فعالیت‌های هسته‌ای به سبب ویژگی‌های خاص و منحصر به فردی که دارند، موجب شده تا به جای اصل کلی لزوم جبران کامل خسارت، «اصل محدودیت جبران خسارت» پذیرفته شود. کنوانسیون‌های مسئولیت هسته‌ای به دولت‌های عضو کنوانسیون اجازه می‌دهند تا میزان مسئولیت متصدی را محدود کنند و در صورت عدم تصریح محدودیت، مسئولیت متصدی نامحدود تلقی می‌شود. فقط معدودی از دولت‌ها مانند آلمان و ژاپن، رویکردشان مسئولیت نامحدود متصدی تأسیسات هسته‌ای است و بقیه‌ی دولت‌ها مسئولیت متصدی را محدود می‌کنند. محدودیت میزان مسئولیت به طور قطع به نفع متصدی است. قانون‌گذاران معتقدند که مسئولیت نامحدود یا میزان زیاد مسئولیت، افراد را از پرداختن به فعالیت‌های هسته‌ای منصرف می‌کند، زیرا خساراتی که در نتیجه‌ی وقوع یک حادثه‌ی هسته‌ای به وجود می‌آیند ممکن است بسیار گسترده و عظیم باشند و اگر متصدی تمام دارایی‌های خود از جمله تأسیسات و دستگاه‌ها و راکتورها را بفروشد باز هم از پس پرداخت خسارت بر نخواهد آمد و این فشارهای مالی ایجاد شده بر متصدی ممکن است منجر به ورشکستگی وی شود [۲]. از طرفی، یکی از ضرورت‌های فعالیت‌های با ریسک بالا، اتخاذ پوشش بیمه‌ای مناسب است که این امر در فعالیت‌های هسته‌ای نیز اجباری است، اما به سبب گستردگی خسارت ایجاد شده از حادثه‌ی هسته‌ای، قطعاً هیچ بیمه‌گری حاضر نیست کل خسارات را بیمه کند و مقداری از خسارات همیشه بدون پوشش بیمه باقی می‌ماند.

ث. با پذیرش این اصل، افراد آسیب‌دیده در طرح دعوا علیه فرد مسئول دچار سردرگمی نمی‌شوند.

ج. با عنایت به این که منتفع اصلی از مواد و انرژی هسته‌ای، متصدی تأسیسات (بهره‌بردار) است، به استناد قواعد مشهور مثل من له الغنم فعلیه الغرم، مسئول دانستن وی امر کاملاً منطقی به نظر می‌رسد.

چ. معمولاً بنیه‌ی مالی متصدی تأسیسات به دلیل نظارت سنگین و مقررات دقیق سخت‌گیرانه از سایرین بیش تر است و خسارت زیان‌دیدگان بهتر جبران می‌شود.

به دلایل موجه فوق است که تقریباً همه‌ی کشورها اصل انتقال قانونی مسئولیت را پذیرفته‌اند و برخی دیگر از کشورها همچون ایالات متحده‌ی آمریکا که اصل انتقال اقتصادی مسئولیت را مقرر کرده است نیز ساز و کارهایی را با نتایج مشابه نتیجه‌ی اصل فوق در نظر گرفته‌اند.

در حقوق ایران، قواعد و اصولی مطابق با آنچه راجع به مسئولیت انحصاری بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای است، وجود ندارد. البته در برخی قوانین، شباهت‌های مختصر و محدودی با اصل فوق وجود دارد. برای مثال: کارفرما طبق ماده‌ی ۱۲ قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹، مسئول جبران خساراتی است که از طرف کارکنان اداری و یا کارگرانی که در حین انجام کار یا به مناسبت آن وارد شده است، و یا بر اساس ماده‌ی ۳۸۸ قانون تجارت، متصدی حمل و نقل مسئول حوادث و تقصیراتی است که در مدت حمل و نقل واقع شده است حتی اگر به سبب تقصیر فردی باشد که از طرف وی مأمور شده است، اتفاق افتاده باشد [۴].

در ایران تصدی فعالیت‌های هسته‌ای با دولت است و طبق ماده‌ی ۱۱ قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹، در صورتی که کارفرما دولت باشد، اگر کارمندان به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه‌ی بی‌احتیاطی خساراتی به اشخاص وارد کنند، شخصاً مسئول جبران خسارت وارده هستند. بنابراین ممکن است هر فردی که به نحوی دخالت در وقوع حادثه دارد، از مهندس تأسیسات گرفته تا متصدی حمل و نقل و غیره، به عنوان مسئول شناخته می‌شود، البته به شرطی که تقصیر آن‌ها را بتوان ثابت کرد. بنابراین قربانی حادثه‌ی هسته‌ای در حقوق ایران،



جبران خسارات ناشی از آن‌ها خارج از توان فاعل فعل زیان‌بار است، نیاز به پوشش بیمه یا سایر تضمینات وجود دارد. که یکی از این فعالیت‌ها که شاید بتوان از آن به‌عنوان خطرناک‌ترین صنعت تعبیر کرد، صنعت انرژی هسته‌ای است.

صنعت بیمه با نقش مؤثری که ایفا کرده است، از مهم‌ترین عوامل پیشرفت صنعت هسته‌ای محسوب می‌شود. چراکه اگر بیمه وجود نداشت قطعاً هیچ‌کس حاضر نبود خطرهای ناشی از مسئولیت حوادث هسته‌ای را بپذیرد. بنابراین از فعالیت‌های هسته‌ای کناره‌گیری می‌کردند. نقش بیمه مخصوصاً در کشورهایی که اشخاصی غیر از دولت تصدی تأسیسات هسته‌ای را برعهده گرفته‌اند، کاملاً آشکار است.

بر اساس کنوانسیون‌های مسئولیت هسته‌ای، متصدی ملزم به تأمین بیمه یا سایر ابزارهای تأمین امنیت مالی (تضمینات مالی) به منظور پوشش مسئولیت خود در مقابل خسارات هسته‌ای است البته میزان، نوع و شروط خاص را دولت دارای تأسیسات معین می‌کند.

اصل تناسب مسئولیت و تضمین مالی، این موضوع را که میزان مسئولیت متصدی همیشه توسط مقدار مساوی اعتبار مالی پوشش داده شود را تضمین می‌کند. این اصل هم به نفع زیان‌دیدگان هسته‌ای است هم به نفع متصدیان هسته‌ای، زیرا زیان‌دیدگان از این‌که قطعاً مطالبات و ادعاهای آن‌ها پرداخت می‌شود، اطمینان حاصل پیدا می‌کنند و متصدی نیز از قبل، اعتبارات و بودجه‌های لازم برای پرداخت غرامت را در اختیار خواهد داشت و نیازی به تبدیل دارایی‌هایش به پول نقد پیدا نخواهد کرد [۲]. در ایران تصدی تأسیسات هسته‌ای با دولت است و بیمه‌ی فعالیت‌های هسته‌ای نیز وجود ندارد. البته شاید یک دلیل عدم وجود بیمه، ویژگی‌های خاص خسارات ناشی از حوادث هسته‌ای است که درواقع بیمه‌گذاران توانایی پوشش چنین خسارات هنگفتی را ندارند و این موضوع نشان دهنده‌ی ضعف سیستم بیمه‌ای در ایران است. در صورت وقوع حادثه در ایران، خود دولت باید

بنابراین حتی اگر مسئولیت متصدی نامحدود باشد، به این معنا نیست که امکان جبران تمام خسارات وجود دارد [۵]. حتی اگر مسئولیت نامحدود برای متصدی تأسیسات هسته‌ای وجود داشته باشد، همیشه یک حدی وجود دارد که عبارت‌اند از نقطه‌ای که در آن توان فرد مسئول به اتمام رسیده است. (تکلیف مالایطاق) در این مرحله مسئولیت متصدی برای پرداخت خسارت به پایان می‌رسد و اگر خسارات حادث شده به حدی زیاد باشد که در سطح ملی مطرح شود، مسئولیت دولت به پرداخت خسارت آغاز می‌شود [۶].

محدود بودن میزان مسئولیت متصدی قطعاً به عنوان یک مزیت محسوب می‌شود نه به‌عنوان مانعی برای فعالیت‌های هسته‌ای. با این حال اشاره به این نکته لازم است که برخلاف کنوانسیون ۱۹۶۰ پاریس، در کنوانسیون وین، حداکثری برای میزان مسئولیت مقرر نشده است و دولت دارای تأسیسات برای تحمیل میزان بیش‌تری از مسئولیت و یا حتی مسئولیت نامحدود، آزاد است. حداقل مسئولیت بر اساس کنوانسیون ۱۹۹۷، از ۵ میلیون دلار آمریکا به ۳۰۰ میلیون SDRS^(۴) تغییر کرده است [۶]. با این حال در برخی از کشورها هم‌چون کشور ما که صنعت هسته‌ای در آغاز راه است پیش‌بینی، مسئولیت نامحدود ممکن است سد بزرگی برای پیشرفت‌های عظیم هسته‌ای باشد و در صورت وقوع حادثه‌ی هسته‌ای در ایران تا جایی که امکان دارد باید به قربانیان غرامت پرداخت شود که این امر هزینه‌ی فوق‌العاده هنگفتی را بر عهده‌ی دولت می‌گذارد و اگر خوب بررسی کنیم می‌بینیم که بسیاری از کشورهای پیشرفته‌ی هسته‌ای که امروزه مدعی مسئولیت نامحدود هستند خود در ابتدای راه با حداقل‌های بسیار پایینی (در حد ۵ میلیون دلار) از جبران خسارت همراه بوده‌اند. از این‌رو در کشورهایی چون کشور ما، پیش‌بینی مسئولیت محدود، منطقی‌تر به نظر می‌رسد و مصلحت عمومی بهتر فراهم می‌شود.

۳.۱.۲ اصل تناسب مسئولیت و پوشش مالی متصدی^(۵)

به طور کلی افرادی که در یک جامعه زندگی می‌کنند، در مورد اکثر فعالیت‌هایشان نیاز به بیمه یا سایر تضمینات مالی دیگر ندارند، اما در بعضی از فعالیت‌ها به سبب اینکه نوعاً



۲.۴.۱.۲ از دست دادن درآمد حاصل از منافع اقتصادی در هرگونه انتفاع از محیط زیست:

این نوع از ضرر که در جزء ۵ بند k ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۹۷ وین ذکر شده، به عنوان یک نتیجه از اختلالات مهم محیط زیست محسوب می‌شود و تا جایی که مشمول بندهای دیگر نشده باشد طبق این بند قابل جبران است. یک مثال مشهوری که در طی مذاکرات تدوین کنوانسیون مطرح شده است، هتلی واقع در ساحلی بود که مشتریان خود را به دلیل آلوده شدن ساحل از دست داده بود [۶].

۳.۴.۱.۲ هزینه‌ی تدابیر و اقدامات لازم برای اعاده‌ی وضعیت سابق در مورد محیط زیست آسیب دیده^(۶):

امروزه التزام به جبران خسارت زیست محیطی بر اساس قاعده‌ی عام مسئولیت بین‌المللی، به عنوان اصل مبنایی به منظور حفاظت از محیط زیست شناسایی شده است [۱۰]. در مورد خسارات زیست محیطی امکان جبران خسارت وجود ندارد، زیرا قابل ارزیابی به پول نیستند و در صورت ارزیابی هم فرقی به حال محیط زیست نمی‌کند. بنابراین در کنوانسیون ۱۹۹۷ وین در مورد خسارات زیست محیطی به جای واژه‌ی جبران از واژه‌ی بازسازی استفاده شده است. خساراتی که از محل هزینه‌ی اقدامات ضروری برای اعاده‌ی وضعیت سابق در مورد محیط زیست آسیب دیده حادث می‌شود، کاملاً متفاوت از انواع خسارت اقتصادی ذکر شده در موارد قبل می‌باشد. عنوان جدیدی از ضرر که ذیل جزء ۴ بند k ماده ۱ آمده است با وجود این که مربوط به اختلال و آسیب به محیط زیست است اما صرفاً در مورد ضررهایی است که به دلیل هزینه‌ی اقدامات لازم برای بازگرداندن محیط زیست به وضعیت سابق اتخاذ شده یا باید اتخاذ شود [۳].

۴.۴.۱.۲ هزینه‌ی اقدامات پیشگیرانه^(۷):

نوع دیگری از خسارت که در جزء ۶ بند k ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۹۷ آمده است، شامل هزینه‌ی اقدامات پیشگیرانه از ایجاد خسارت است که باید توسط زیان‌دیده، این هزینه انجام شود. اقدامات پیشگیرانه به حدی اهمیت دارند که در بسیاری از نظام‌های حقوقی، اگر مدعی پرداخت

خسارات را جبران کند. بنابراین این اصل یکی از فرصت‌های الحاق به کنوانسیون وین برای ایران محسوب می‌شود.

۴.۱.۲ پیش‌بینی عناوین جدید از خسارات قابل جبران

در عموم حوادث از جمله حوادث هسته‌ای منجر به ورود زیان، معمولاً سه دسته از خسارات قابل جبران شناخته‌اند که عبارت‌اند از فوت، جراحات بدنی و صدمه به اموال و دارایی یا تلف آن‌ها. این سه نوع خسارت در کنوانسیون ۱۹۶۳ وین و در نسخه‌های قدیمی و جدید از کنوانسیون‌ها یکسان هستند. بعد از وقوع حادثه چرنوبیل، به سبب وسعت آسیب‌های ایجاد شده، در مفهوم خسارات قابل جبران تجدیدنظر شد و انواع جدیدی از خسارات در کنوانسیون‌های جدید و از جمله کنوانسیون ۱۹۹۷ وین قابل جبران دانسته شد.

۱.۴.۱.۲ خسارات اقتصادی محض

منظور آن دسته از خساراتی است که به دارایی زیان‌دیده وارد شده است. این نوع خسارت ماهیتاً اقتصادی و پولی بوده است [۷]. اما ناشی از صدمات بدنی یا زیان‌های وارد شده به اموال نیست [۸]. در جزء ۳ بند k ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۹۷، از این خسارت به عنوان خسارت قابل جبران یاد شده است و البته میان نظام‌های حقوقی، قابلیت جبران برخی از اقسام خسارات اقتصادی محض، محل اختلاف است [۸]. در مورد خسارات اقتصادی محض که منشأ قراردادی دارند، تقریباً همه نظام‌های حقوقی حتی کشورهایی که اصل را بر غیر قابل جبران بودن ضررهای اقتصادی محض می‌دانند، با استناد به اصل آزادی قراردادهای و اصل حاکمیت اراده و توافق اشخاص، آن را قابل جبران می‌دانند [۹]. بنابراین آنچه مورد اختلاف است، ضررهای اقتصادی محضی است که منشأ قراردادی ندارند. هم‌چنین میان انواع خسارات اقتصادی محض نیز از جهت قابل جبران بودن، اختلاف وجود دارد که پرداختن به انواع آن از حوصله‌ی مقاله حاضر خارج است.



غرامت برای ممانعت از ایجاد خسارت و یا حداقل کاهش خسارت اقدامات منطقی را به عمل نیاورد، ادعای پرداخت غرامت وی ممکن است رد شود و یا میزان خسارت پرداختی کاهش یابد. بنابراین پرداخت هزینه‌ی چنین اقداماتی که برای منافع فرد مسئول (با کاستن از میزان مسئولیت وی) انجام شده است حتی اگر در عدم وقوع حادثه یا کاهش میزان خسارت مؤثر واقع نشود، منطقی به نظر می‌رسد [۳]. در حقوق ایران با قواعدی هم‌چون قاعده‌ی احسان به راحتی مطالبه‌ی این خسارات، قابل توجیه است. زیرا زیان‌دیده با قصد احسان به عامل زیان، در راستای کاستن از میزان مسئولیت وی هزینه‌های مختصری (نسبت به هزینه‌های وقوع خسارت در صورت عدم انجام اقدامات پیشگیرانه) را انجام می‌دهد.

۲.۲ توسعه‌ی نهادهای حقوقی

۱.۲.۲ مسئولیت مطلق^(۸)

یکی از موضوعات عمده در تعیین مسئولین جبران خسارت، لزوم یا عدم لزوم اثبات تقصیر فردی است که منجر به ایجاد خسارت شده است. از نظر لزوم تقصیر، دو نوع مسئولیت مدنی وجود دارد. مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر که فاعل زیان‌دهنده تنها زمانی مسئول شناخته می‌شود که زیان‌دیده بتواند تقصیر وی را اثبات کند [۱۱] و مسئولیت مدنی بدون تقصیر که تقصیر به‌طور کلی از مبنای آن خارج شده است. در این نظریه، اصل بر مسئولیت و جبران است و اثبات عدم تقصیر تأثیری در مسئولیت ندارد.

بند ۱ ماده‌ی ۴ کنوانسیون مسئولیت مدنی ناشی از خسارات هسته‌ای ۱۹۶۳ وین، به‌صراحت مسئولیت ابراتور (متصدی)^(۱۰ و ۹) را مطلق اعلام^(۱۱)، و این اصل اثبات ادعای قربانیان حادثه‌ی هسته‌ای را تا حد زیادی تسهیل کرده است. به عبارت دیگر، متصدی تأسیسات هسته‌ای در بخش خود مسئول پرداخت غرامت است بدون این‌که مرتکب تقصیری شده باشد. مدعی تنها نیاز به اثبات رابطه‌ی سببیت بین حادثه‌ی هسته‌ای و خسارتی دارد که مستوجب پرداخت غرامت است و ملزم به اثبات مسامحه یا هرگونه قصور از جانب متصدی نیست. البته بند ۳ ماده‌ی ۴، برخی از علل تبرئه‌ی متصدی از مسئولیت را به رسمیت می‌شناسد. طبق این

مقرره، اگر حادثه به طور مستقیم از «درگیری مسلحانه، جنگ، جنگ داخلی و یا شورش» ناشی شده باشد و یا طبق قانون کشور دارای تأسیسات در صورتی که حادثه‌ی هسته‌ای مستقیماً ناشی از یک فاجعه‌ی بسیار بزرگ طبیعی حاصل از یک عامل استثنایی باشد، متصدی مسئول نیست. هم‌چنین طبق بند ۷ ماده‌ی ۴ کنوانسیون ۱۹۶۳ وین درجایی که آسیب هسته‌ای ناشی از فعل یا ترک فعل عمدی فرد دیگری به‌منظور ایجاد حادثه باشد، مقررات کنوانسیون راجع به مسئولیت مطلق متصدی نیز اعمال نمی‌شود [۳]. در فعالیت‌های هسته‌ای به سبب پنهان بودن و پیچیدگی‌های خاصی که دارد، اصل ویژه‌ای تحت عنوان «مسئولیت مطلق» وجود دارد. در نتیجه، هرگونه مسئولیت مبتنی بر تقصیر در فعالیت‌های هسته‌ای نه تنها سیستم مناسبی برای آن نیست بلکه حتی فرض تقصیر هم نمی‌تواند مناسب باشد چرا که در بیش‌تر موارد اثبات عدم تقصیر توسط متصدی کار سختی نیست بنابراین ممکن است خسارات غیرقابل جبرانی باقی بماند. در نتیجه بهترین قاعده به‌عنوان مبنای مسئولیت در حقوق مسئولیت هسته‌ای مسئولیت مطلق است.

از آنجا که در حقوق ایران، قانون خاصی در رابطه با مسئولیت مدنی هسته‌ای وجود ندارد، مبنای واقعی مسئولیت همان تقصیر است که در تضاد با ضرورت‌های اجتماعی و اقتصادی پذیرش مسئولیت مطلق است. در قانون مجازات اسلامی در رابطه با مسئولیت مدنی نیز مسئولیت مبتنی بر تقصیر پذیرفته شده است. در برخی موارد پذیرش اصل لزوم اثبات تقصیر برای مسئولیت با یک آشفتگی همراه است. در ماده‌ی ۱۲ قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹، نظریه‌ی خطر برای مسئولیت کارفرما در قبال خطرات ناشی از فعالیت‌های وی پذیرفته شده است [۱۲]. هم‌چنین چون مسئولیت مطلق برای فعالیت‌های هسته‌ای رد شده است امکان در نظر گرفتن بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای به‌عنوان کارفرما برای مسئولیت مطلق وی در رابطه با خسارات ناشی از حادثه‌ی اتمی وجود ندارد مگر اینکه واقعاً حادثه ناشی از عملکرد یا تقصیر بهره‌بردار باشد. در موارد دیگر فرد آسیب‌دیده باید رابطه‌ی



دعوا کرده‌اند تأثیر نخواهد گذشت. دوم، بر اساس بند ۴ ماده‌ی ۶ کنوانسیون ۱۹۹۷ وین، فردی که از آسیبی که قبلاً در زمان و مهلت قانونی در مورد آن شکایت کرده بوده است، به شدت رنج می‌برد، ممکن است بعد از انقضاء آن مدت قانونی که بیان شد، ادعای خود را به سبب این که میزان آسیبی که دیده است شدت پیدا کرده است، اصلاح کند، به شرط این که رأی نهایی هنوز صادر نشده باشد. البته قانون دادگاه صالح ممکن است آسیب‌دیده را از این امکان محروم کند [۳].

در حقوق ایران، مرور زمان تنها در موارد خاص و محدودی که نص قانون به آن تصریح کرده است، پذیرفته شده است. بنابراین می‌توان گفت که در خصوص اغلب موارد، مانند جبران خسارت، محدودیت زمانی طرح دعوا وجود ندارد. بنابراین در صورت وقوع حادثه‌ی هسته‌ای در ایران، در مدت زمان نامحدودی قربانیان اجازه اقامه‌ی دعوا، جبران خسارت را دارند و همان‌طور که بیان شد، به سبب ویژگی‌های خاص حوادث هسته‌ای، عدم وجود محدودیت زمانی در اقامه‌ی دعوا، پیامدهای ناگواری را برای فعالان در این حوزه به وجود می‌آورد. بنابراین وجود محدودیت زمانی در اقامه‌ی دعوا، در کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی هسته‌ای، یکی از فرصت‌های پیوستن به این کنوانسیون‌ها محسوب می‌شود.

۳.۲.۲ اصل صلاحیت و حل تعارض در صلاحیت دادگاه

به طور کلی دعوی مسئولیت مدنی به عنوان یک دعوی مالی ممکن است تحت تأثیر یک یا چند عامل خارجی نظیر تابعیت، اقامتگاه و یا محل وقوع حادثه قرار گیرد که در این صورت ممکن است بحث صلاحیت دو یا چند دادگاه و قانون مطرح شود. بر اساس قوانین شکلی عام ممکن است محاکم متعددی، صلاحیت قضایی برای رسیدگی به ادعای خسارات ناشی از حوادث هسته‌ای را داشته باشند که در عمل این امر مشکل‌آفرین خواهد بود.

اصولاً کشورها قواعد خاصی برای تعیین صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها با عنوان قواعد تعیین صلاحیت بین‌المللی دارند که قاضی با مراجعه به آن‌ها راجع به صلاحیت

سببیت بین خسارات و اعمال افراد دیگر را اثبات کند که این کار به دلایلی که قبلاً ذکر شد بسیار سخت است [۴]. در واقع یکی از فرصت‌های الحاق به کنوانسیون وین برای ایران، حاکمیت اصل مسئولیت مطلق در مسئولیت‌های مدنی ناشی از حوادث هسته‌ای است.

۲.۲.۲ محدودیت زمانی مسئولیت (مرور زمان)^(۱۳)

در اکثر نظام‌های حقوقی یک محدودی زمانی برای طرح دعوا وجود دارد که محدودی زمانی معمول در قوانین مسئولیت مدنی ۳۰ سال است. در فعالیت‌های هسته‌ای، مسئولیت متصدی در زمان نیز محدود می‌شود، با توجه به این که آسیب‌های فیزیکی ناشی از آلودگی رادیواکتیوی ممکن است تا سال‌ها بعد از حادثه آشکار نشود، در نظر گرفتن یک محدودی زمانی کوتاه، قطعاً غیرعادلانه است، از طرف دیگر، از آن‌جا که اثبات رابطه‌ی بین آسیب ناشی از تشعشع طولانی مدت با همان منبع رادیواکتیوی دشوار است، یک زمان کوتاه‌تری برای امکان طرح دعوا نسبت به زمانی که معمولاً تحت قواعد کلی قانون مسئولیت مدنی ارائه می‌شود انتخاب شده است.

بر اساس کنوانسیون ۱۹۹۷ وین (بند a ماده‌ی ۶) مرور زمان برای طرح دعوی راجع به مرگ و صدمات شخصی ۳۰ سال، اما در رابطه با بقیه‌ی خسارت ۱۰ سال از تاریخ ایجاد حادثه است و اگر تا مدت مذکور از وقوع حادثه‌ی هسته‌ای طرح دعوا نشود، حق گرفتن خسارت از بین می‌رود. علاوه بر این، ماده‌ی فوق بیان می‌دارد که امکان تخطی کردن از این زمان وجود ندارد [۳].

در دو مورد طرح دعوا بعد از گذشت ده سال معتبر است. نخست، طبق بند ۱ ماده‌ی ۶ کنوانسیون ۱۹۹۷ وین، اگر بر اساس قانون دولت دارای تأسیسات، مسئولیت متصدی توسط ابزارهای تأمین امنیت مالی و یا بودجه‌ی دولت برای مدت بیش‌تری پوشش داده شود، قانون دادگاه صالح ممکن است امکان طرح دعوا در آن زمان طولانی‌تر از ده سال را مقرر دارد، اما تمديد چنین مدتی بر حق شناسایی شده توسط کنوانسیون در مورد پرداخت خسارت افرادی که در طول مدت ۱۰ سال، علیه متصدی راجع به جراحت و یا فوت طرح



تصمیم‌گیری می‌کند که این قواعد در کشورهای مختلف برحسب این که چه مبنایی را برای تعیین صلاحیت پذیرفته‌اند متفاوت است. مثلاً در حقوق فرانسه، اصولاً صلاحیت مبتنی بر تابعیت و در حقوق انگلستان صلاحیت مبتنی بر حضور در حوزه‌ی صلاحیت یا ابلاغ به شخص است [۱۳].

اگر حادثه‌ی هسته‌ای در ایران رخ دهد، چون قانون خاصی در خصوص مسئولیت مدنی هسته‌ای نداریم و به کنوانسیون‌های بین‌المللی مرتبط نیز نپیوسته‌ایم، باید به قواعد عمومی رجوع کنیم. اگر حادثه ناشی از تأسیسات هسته‌ای ایران باشد، به دلیل این که در ایران تصدی تأسیسات هسته‌ای بر عهده‌ی دولت است، هم از نظر مبنای محل اقامت خوانده و هم این که به نوعی این نوع حادثه با نظم عمومی مرتبط است [۱۴]، دادگاه ایران صلاحیت رسیدگی به دعوی هم اتباع خود و هم اتباع سایر کشورها را دارد. اما اگر حادثه از تأسیسات هسته‌ای کشورهای دیگر، در ایران رخ دهد، کشور محل وقوع تأسیسات هسته‌ای که در واقع محل اقامتگاه خواننده محسوب می‌شود صالح است. البته خواهان طبق ماده‌ی ۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی، حق اقامه‌ی دعوا در ایران را دارد اما به احتمال خیلی زیاد دادگاه کشور محل وقوع تأسیسات هسته‌ای از اجرای آن حکم امتناع خواهد ورزید و بنابراین بهتر است زیان‌دیده به طریقی اقدام کند که در عمل بهترین نتیجه را داشته باشد.

یکی دیگر از مهم‌ترین ویژگی‌های رژیم مسئولیت هسته‌ای، تعیین یک دادگاه صالح واحد برای رسیدگی به تمام دعوی راجع به جبران خسارت است [۱۵]. این تمرکز دادرسی‌ها در یک دادگاه واحد هم باعث ایجاد قطعیت قانونی^(۱۳) می‌شود و هم از موقعیتی که در آن خواهان به دنبال قضاوت و داوری مناسب‌تری^(۱۴) باشند جلوگیری می‌کند. قاعده‌ی صلاحیت انحصاری، دادگاه صالح نزدیک به منبع آسیب را تعیین می‌کند و بدون این که آسیب‌دیده بخواهد سفرهای زیادی انجام دهد [۱]، اجازه‌ی طرح دعوا می‌دهد. بنابراین کنوانسیون‌های هسته‌ای برای حل مشکل، قاعده‌ای عام با استثنائات معدودی با عنوان قاعده‌ی صلاحیت (دادگاه) را بیان کردند. قاعده‌ی فوق اولاً: صلاحیت انحصاری

رسیدگی به دعوی خسارت هسته‌ای را به دادگاه‌های کشوری که حادثه در آن به وقوع پیوسته اعطا می‌کند، و ثانیاً: هر یک از دولت‌های عضو کنوانسیون‌های مذکور باید تضمین کنند که فقط یکی از محاکم آن‌ها در مورد حادثه‌ی هسته‌ای که در کشور دیگر رخ داده است، صلاحیت قضایی دارند [۲].

بر اساس بند ۱ و ۲ ماده‌ی ۱۱ کنوانسیون ۱۹۶۳ وین، دادگاه صالح به ترتیب زیر ممکن است دادگاه کشور محل وقوع حادثه و یا کشور محل وقوع تأسیسات هسته‌ای تعیین شود:

۱. حادثه در قلمرو کشور عضو معاهده رخ دهد، دادگاه همان کشور صلاحیت دارد.
۲. حادثه در زمان حمل و نقل مواد هسته‌ای از مبدأ یا به مقصد تأسیسات هسته‌ای واقع در قلمرو کشور عضو معاهده رخ دهد، صلاحیت با دادگاه همان کشور است.
۳. حادثه در زمان حمل و نقل مواد هسته‌ای از مبدأ یا به مقصد تأسیسات هسته‌ای واقع در قلمرو کشور غیر عضو معاهده رخ دهد، بر اساس بند ۲ ماده‌ی ۱۱ کنوانسیون ۱۹۶۳ وین، صلاحیت انحصاری با دادگاه کشوری است که تأسیسات متصدی مسئول در قلمرو آن واقع شده است که البته همین دادگاه در صورت وقوع حادثه در دریاهای آزاد هم صالح است.
۴. حادثه در قلمرو دریایی کشور عضو معاهده رخ دهد، دادگاه همان کشور صالح است. (منظور مناطق دریایی بوده که تحت حاکمیت کشور ساحلی قرار گرفته است)
۵. حادثه در قلمرو خاکی یا دریایی کشور غیر عضو واقع شود، دادگاه کشور محل وقوع تأسیسات صالح است.
۶. در مورد حادثه‌ی ایجاد شده مناطق دریایی که تحت حاکمیت هیچ کشور خاصی نیست، دادگاه کشور محل وقوع تأسیسات صلاحیت رسیدگی دارد.
۷. در موردی که محل وقوع حادثه دقیقاً قابل شناسایی نباشد، دادگاه‌های کشور محل وقوع تأسیسات هسته‌ای صالح شناخته می‌شوند.



قوانین یاد می‌کنند و معتقدند که در تمام دعاوی مطروحه در دادگاه‌های ایران، قانون ایران صالح است و هر جا تردید در اجرای قانون ایران و خارج باشد، در مقام حل تعارض قوانین، قانون ایران در خصوص ساکنان آن، اجرا خواهد شد [۱۸]. بنابراین هرگاه بر اثر فعل زیان‌باری در قلمرو ایران به حقوق اشخاص (چه اتباع ایرانی چه غیرایرانی)، آسیبی وارد شود و موجب ضرر مادی یا معنوی شود و دعوا در ایران مطرح شود، قانون ماهوی ایران صالح است. ولی اگر دعوا در دادگاهی خارجی اقامه شود، آن دادگاه بر اساس قواعد حل تعارض دولت خود، قانون صالح را مشخص می‌کند که ممکن است قانون ماهوی ایران را به‌عنوان قانون محل وقوع فعل زیان‌بار بداند [۱۹].

در ماده‌ی ۹۶۸ قانون مدنی بیان شده است که: «تعهدات ناشی از عقود تابع قانون محل وقوع عقد است مگر اینکه متعاقدین اتباع خارجه، آن را صریحاً یا ضمناً تابع قانون دیگری قرار داده باشند». عده‌ای از حقوق‌دانان با وحدت ملاک گرفتن از این ماده که در واقع قاعده‌ی حل تعارض در قراردادها محسوب می‌شود، تعهدات خارج از قرارداد را نیز تابع قانون محل منشأ تعهد می‌دانند [۱۸، ۲۰]. از آنجا که مسئولیت مدنی از دسته دعاوی منقول محسوب می‌شود، عده‌ای با قیاس مسئولیت مدنی با مسئولیت جزایی^(۱۵) آن را تابع قانون محل وقوع حادثه دانسته‌اند و مدعی شده‌اند که این عقیده مورد مقبولیت اکثر کشورهاست [۱۴]. اما در مقابل، بعضی معتقدند که قانون اقامتگاه خواننده از این نظر که باعث تقارن صلاحیت قانون‌گذاری و صلاحیت قضایی است، صحیح‌تر است. زیرا همان‌طور که بیان شد دادگاه صلاحیت‌دار برای رسیدگی به دعوی دین (منقول)، دادگاه اقامتگاه خواننده است [۱۶].

بر اساس کنوانسیون وین، دادگاه صالح در وهله‌ی اول ملزم به اعمال مقررات کنوانسیون است که به صورت خودبه‌خود الزام‌آور هستند^(۱۶) و نیاز به تصویب در نظام حقوقی داخلی ندارد و عضویت در کنوانسیون، خود به معنای پذیرفتن اجرای این مقررات است و یا ملزم به اجرای بعضی از این قوانین هستند که توسط قوه‌ی قانون‌گذاری داخلی به

به موجب بند ۴ ماده‌ی ۱۱ کنوانسیون ۱۹۹۷ وین، کشوری که دادگاه‌های آن صالح برای رسیدگی تشخیص داده شده است باید اطمینان دهد که تنها یک دادگاه، صلاحیت قضایی رسیدگی به دعاوی ناشی از یک حادثه هسته‌ای را دارد. البته درج مقرره‌ای مشابه مقرر در فوق در کنوانسیون تکمیلی جبران خسارت و ضمیمه آن مغفول مانده است [۳].

۴.۲.۲ تعیین قانون حاکم در تعارض قوانین

از آنجا که صلاحیت دادگاه یک کشور الزاماً منجر به صلاحیت قانون آن کشور نمی‌شود [۱۶]، تعیین قانون حاکم نیز اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. در کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی هسته‌ای، مقرراتی در خصوص تعیین قانون صالح تصریح شده است.

نظر مشهور در خصوص قانون صالح در دعوی مسئولیت مدنی که توسط بسیاری از کشورها هم پذیرفته شده است، معمولاً قانون محل وقوع حادثه است [۱۴]. لیکن اجرای قانون محل حادثه خصوصاً در حوزه‌ی حمل و نقل بین‌المللی مواد هسته‌ای به دو دلیل امکان‌پذیر نیست: اولاً به دلایل خطر طبیعی و ذاتی حمل و نقل مواد هسته‌ای، این موضوع واضح است که ممکن است حادثه در کشورهای دورتر از کشور محل وقوع تأسیسات هسته‌ای رخ دهد. ثانیاً محل وقوع حادثه غالباً و به احتمال زیاد، کشور محل اقامت دائمی قربانی است [۱۷].

در خصوص دعوی مسئولیت مدنی ناشی از حوادث هسته‌ای در ایران، باید به قواعد کلی حل تعارض مراجعه کرد، زیرا نه تنها عضو کنوانسیون‌های بین‌المللی مسئولیت مدنی هسته‌ای نشده است، قانون هسته‌ای مصوبی نیز ندارد. در باب مسئولیت مدنی و تعهدات غیر قراردادی، مسائل تعارض بسیار مبهم است چنان‌که در حقوق ایران قاعده‌ای درباره حل تعارض در مسئولیت غیر قراردادی نمی‌توان یافت. ماده‌ی ۵ قانون مدنی مقرر می‌دارد که: «کلیه‌ی سکنه‌ی ایران اعم از اتباع خارجی و داخلی مطیع قوانین ایران خواهند بود مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد». برخی از حقوق‌دانان، از این ماده به عنوان اصل سرزمینی بودن



تعارضی که سابقاً بین دو مقرره‌ی قانونی آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری با قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی وجود داشته، به بیان برخی از مصادیق قابلیت جبران ضرر اقتصادی در نظام حقوقی ایران از قبیل ماده‌ی ۵ و ۶ قانون مسئولیت مدنی، ماده‌ی ۳ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خودرو مصوب ۱۳۸۶ و بند ۲ ماده‌ی ۹ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی دانسته‌اند [۹]. هم‌چنین برخی دیگر در نظری جامع‌تر، معتقدند که ضرر اقتصادی محض بیشترین قرابت را با مفهوم «از دست رفتن فرصت» دارد [۲۱] و در توجیه این موضوع، بیان داشته‌اند «از دست رفتن فرصت» اعم است از «عدم النفع» و «فرصت اجتناب از ضرر».

عدم النفع^(۱۷) از اقسام خساراتی است که در همه‌ی نظام‌های حقوقی قابل جبران شناخته شده [۷] و در جزء ۳ بند k ماده‌ی ۱ کنوانسیون ۱۹۹۷ وین نیز به آن تصریح شده است. در حقوق داخلی، تعاریف مختلفی میان حقوق‌دانان از عدم النفع وجود دارد. بعضی حرمان از منفعی که به احتمال قریب به یقین، حسب جریان عادی امور، اوضاع و احوال خاص، امید وصول به آن معقول، مترتب و مقدور بوده باشد را عدم النفع دانسته‌اند [۲۲]. برخی گفته‌اند عدم النفع یعنی نفع و منفعی که پیش‌بینی شده است، در آینده حاصل شود، ولی به علت نقض قرارداد، (در مسئولیت قراردادی) یا فعل زیان‌بار (در مسئولیت مدنی) این منافع تحقق نیافته است [۲۳].

راجع به قابلیت جبران خسارت عدم النفع به دلیل موضع‌گیری متعارض بین دو قانون آئین دادرسی کیفری قدیم (مصوب ۱۳۷۸) و قانون آئین دادرسی مدنی (مصوب ۱۳۷۹) اختلاف نظرهایی وجود داشت، به این توضیح که ماده‌ی ۹ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ «... ضرر و زیان قابل مطالبه به شرح ذیل است: ۱- ضرر و زیان‌های مادی که در نتیجه‌ی ارتکاب جرم حاصل شده است. ۲- منفعی که ممکن الحصول بوده و در اثر ارتکاب جرم، مدعی خصوصی از آن محروم می‌شود» و به موجب تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۵۱۵ قانون

عنوان قانون ملی تصویب شده است. البته استثنائاتی نیز بیان شده است. مثلاً تصمیم‌گیری راجع به این که بعضی خسارات قابل جبران تا چه حدی باید جبران شوند برعهده‌ی قانون ملی گذاشته شده است [۳]. از این رو همان‌گونه که مشاهده شد در خصوص تعیین قانون صالح اختلافاتی میان حقوق‌دانان در حقوق ایران وجود دارد که پیوستن به کنوانسیون وین با ایجاد یک قطعیت قانونی، این مشکل را برطرف خواهد ساخت.

۳. چالش‌های الحاق به کنوانسیون وین

کنوانسیون وین به عنوان سند بین‌المللی بر اساس اصول مهم مسئولیت مدنی ناشی از حوادث هسته‌ای تنظیم شده است. در این سند اختیاراتی به حقوق داخلی مقرر متصدی تأسیسات هسته‌ای داده شده است که کشورهایی که حقوق داخلی آن‌ها در این زمینه‌ها ملاحظاتی را اعمال کرده‌اند از این فرصت استفاده کرده‌اند. اما در کشور ما با وضع موجود و بدون ایجاد بستر حقوقی مناسب و داشتن ملاحظات حقوقی نه تنها از این فرصت‌ها استفاده نشده است، بلکه این ارجاع کنوانسیون به حقوق داخلی می‌تواند عملاً چالش یا چالش‌هایی را به همراه داشته باشد و موجب افزایش مسئولیت برای متصدی تأسیسات هسته‌ای و دولت شود. مهم‌ترین این موارد، حاکمیت اصل جبران کامل خسارات و عدم تبیین برخی از مفاهیم حقوقی کلی بیان شده در کنوانسیون مانند مفهوم ضرر اقتصادی است.

۱۰۳. ابهام در مفاهیم و قابلیت جبران برخی از اقسام خسارات اقسام مختلفی از خسارات قابل جبران در کنوانسیون وین احصاء شده است که برخی از آن‌ها از منظر مفهوم و حتی امکان جبران، در حقوق داخلی محل اختلاف است از مهم‌ترین آن‌ها ضرر اقتصادی محض و عدم النفع است.

عنوان ضرر اقتصادی در نظام حقوقی ایران اخیراً توسط برخی حقوق‌دانان مطرح شده است و نظریات متعددی در خصوص ماهیت این نوع ضرر ارائه شده است. برخی از ایشان معتقدند نزدیک‌ترین عنوان به این نوع ضرر «عدم النفع» و یا «تفویت منفعت» است و در نتیجه‌گیری با توجیه



در حقوق ایران اگرچه خسارات احصاء شده در قانون محدود است، اما با استناد به عموماً برخی از قواعد ضمان آور که مهم‌ترین آن‌ها قاعده‌ی لاضرر است، می‌توان به جبران کامل همه‌ی اقسام خسارت حکم داد، چرا که مستنداً به اصل ۱۶۷ قانون اساسی، در مواردی که مقرره‌ی خاصی وجود ندارد، می‌توان به «منابع معتبر اسلامی» مراجعه کرد و هم‌چنین ماده‌ی ۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، علاوه بر منابع و فتاوی معتبر اسلامی، به «اصول حقوقی» نیز اشاره دارد از جمله‌ی این اصول حقوقی و قواعد معتبر قاعده‌ی «لاضرر» است که به راحتی می‌توان به استناد آن به جبرانی خسارت حکم کرد.

مسئله‌ی مهمی که در خصوص این قاعده‌ی اصلی ضمان آور باید بیان داشت این است که تلاش‌های حقوق دانان و برخی از فقها در خصوص این که چه نوع خساراتی مشمول ضرر شده تا بتوان با قاعده‌ی لاضرر حکم به جبران آن داد، بلاوجه است [۱۴]. چه این که برخی از فقها معتقدند قواعد شرعی برای متفاهم عرفی آمده است نه برای دقت‌های دقیق فلسفی و موشکافانه‌ی علماء^(۱۹) [۱۴] از قبیل قاعده‌ی لاضرر. یعنی باید این گونه توجیه کرد که بر اساس قاعده‌ی لاضرر، اولاً نباید ضرری به دیگری وارد شود و ثانیاً هر ضرری هم وارد شد باید جبران شود و همانند برخی موضوعات مثل تشخیص «غبین» یا «غرر» که به فهم عرفی واگذار شده است [۲۷] در این جا هم تعیین مصداق ضرر را باید به عرف واگذار کرد^(۲۰).

روابط بشری در گذر زمان پیچیده‌تر شده است و مسائلی حادث می‌شود که سابقاً وجود نداشته است و آن چیزی که از روح احکام شرعی برمی‌آید آن است که شارع مقدس، موضوعات جزئی و تشخیص مصادیق را به عرف واگذار کرده نه اینکه حقوق دانان و فقها در ذهن و معلومات خود، مصادیق را تعیین کنند، به نظر می‌رسد باید با همین رویکرد، تشخیص مصادیق ضرر را به عرف واگذار کرد.

با وجود استدلال‌ات فوق، قطعاً بهتر است قانون‌گذار داخلی به تبیین قواعد شناسایی خسارات قابل جبران و نحوه‌ی جبران این نوع زیان در قالب مقرره یا مقررات خاصی

آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۲ «خسارت ناشی از عدم النفع قابل مطالبه نیست». معمولاً حقوق دانان برای رفع این تعارض و فرار از قبول نسخ قانون آیین دادرسی کیفری مقدم توسط قانون آیین دادرسی مدنی مؤخر با استناد به توجیهاتی، منظور قانون‌گذار در ماده‌ی ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی را حمل بر عدم النفع از نوع ممکن الحصول می‌دانسته‌اند نه قطعی الحصول [۲۴].

با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری جدید مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ این مشکل به کلی مرتفع شد و فارغ از توجیهات بعضاً بعید برخی نویسندگان، می‌توان به آسانی گفت، قانون آیین دادرسی کیفری جدید که مؤخر است در این موضوع قانون آیین دادرسی مدنی را نسخ کرده است و به طور حتم با استناد به ماده‌ی ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، باید به جبران خسارت ناشی از عدم النفع حکم داد.

۲.۳ حاکمیت اصل جبران کامل خسارت در حقوق داخلی^(۱۸)
خسارات اقتصادی قابل مطالبه توسط قانون عمومی (ملی) مسئولیت مدنی دادگاه صالح یکی از اقسام خساراتی که در کنوانسیون وین پیش‌بینی شده است. این خسارت تنها در ذیل جزء ۷ بند k ماده‌ی ۱ کنوانسیون ۱۹۹۷ وین پیش‌بینی شده است. در حقیقت در این قسم از خسارات، به نحوی به حقوق داخلی اعتبار خاص بخشیده شده است.

ایران در زمینه‌ی جبران خسارات هسته‌ای هیچ قانون خاصی ندارد و عضو هیچ کدام از کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی هسته‌ای نیز نشده است. برای جبران خسارات هسته‌ای احتمالی گریزی از تمسک به قواعد عام مسئولیت مدنی داخلی نیست. در حقوق ایران، تقسیم‌بندی دوگانه‌ای از ضرر ارائه شده است که عبارت‌اند از ضرر مادی و معنوی [۲۵].

برخی حقوق دانان قسم سومی هم با عنوان ضرر بدنی را اضافه می‌کنند. بنابراین به‌طور کلی می‌توان گفت که در حقوق ایران ضرر به سه دسته‌ی، ضرر مالی، معنوی و بدنی تقسیم می‌شود [۲۶]. در خصوص مطالبه‌ی خسارات مربوط به فوت، جراحات بدنی و صدمه به اموال و دارایی یا تلف آن‌ها در نظام حقوقی ایران همانند تمام نظام‌های حقوقی امکان مطالبه وجود دارد.



پردازد تا از محل ارجاع کنوانسیون به حقوق داخلی نتوان از فقدان قواعد اختصاصی استفاده کرد و با تمسک به عموماً قواعد ضمان آور مسئولیت‌های نامحدودی را برای اشخاص ایجاد کرد.

۴. نتیجه‌گیری

در کشور ایران با وجود فعالیت‌های گسترده‌ی هسته‌ای، نه تنها عضو هیچ‌کدام از کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی هسته‌ای نشده است، بلکه تدابیری برای تدوین کلی قانون خاص برای مقابله با حوادث احتمالی و جبران خسارات ناشی از آن نیز اندیشیده نشده است. بنابراین در صورت وقوع حادثه‌ی هسته‌ای، مسائل پیچیده‌ای پیش خواهد آمد که قوانین عام مسئولیت مدنی موجود توان پاسخ‌گویی در مقابل آن را نخواهد داشت، و این مسئله، هم به ضرر قربانیان حادثه است و هم به ضرر فعالان صنعت هسته‌ای. بنابراین ابتدا الحاق به کنوانسیون‌ها، و بعد تدوین قانون خاص بسیار ضروری است که در این نوشتار به مزایا و چالش‌های الحاق به کنوانسیون ۱۹۹۷ وین پرداخته شد. در کنوانسیون ۱۹۹۷ وین یک‌سری اصول و مفاهیم وجود دارد که بعضی از آن‌ها مانند مسئولیت مطلق و محدودیت زمانی مسئولیت با وجود این که قبلاً سابقه‌ای هرچند مختصر در حقوق ایران داشته‌اند، توسعه یافته‌اند. بعضی دیگر نیز هم‌چون اصل محدودیت مسئولیت (در مقابل مسئولیت نامحدود) و اصل کانالیزه کردن مسئولیت به سوی متصدی، در واقع مفاهیم جدیدی در حقوق ایران محسوب می‌شوند. البته یک‌سری موارد نیز در کنوانسیون وجود دارد که ممکن است به نوعی چالش محسوب شود. به عنوان مثال در کنوانسیون، خسارات اقتصادی محض جزء خسارات قابل جبران شناخته شده‌اند در حالی که در حقوق ایران چنین اصطلاحی وجود ندارد و شناسایی نشده است و در واقع نیازمند مباحث علمی گسترده میان حقوق‌دانان و تدوین قانون است. به طور کلی مزایای الحاق به کنوانسیون بسیار بیش‌تر از چالش‌های آن است و در واقع موجب پیشرفت صنعت هسته‌ای ایران خواهد شد.



پی‌نوشت‌ها

1. legal channeling of liability to operator.

۲. بند «الف» و «ب» ماده ۶ کنوانسیون پاریس، بند ۵ ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۶۳ و ۱۹۶۷ وین، بندهای ۱ و ۹ ماده ۳ کنوانسیون جبران خسارت تکمیلی (CSC).

3. limitation of liability in amount

۴. به دلیل عدم کفایت دو منبع اساسی یعنی طلا و دلار آمریکا، برای حمایت از توسعه تجارت جهانی و توسعه اقتصادی، ذخیره دارایی بین‌المللی در سال ۱۹۶۹ توسط صندوق بین‌المللی پول (IMF) به منظور تکمیل ذخایر رسمی کشورهای عضو ایجاد شد. SDRs علامت اختصاری Special Drawing Rights یعنی حق برداشت ویژه می‌باشد که یک واحد حسابداری در IMF است. سهم مشارکت اعضاء در تأمین سرمایه صندوق و همچنین وام‌هایی را که به اعضاء می‌دهند بر اساس این واحد محاسبه می‌شود. ارزش SDRs در ابتدا فقط براساس دلار آمریکا بود مثلاً ارزش SDRs معادل ۰٫۸۸۸۶۷۱ گرم طلا که آن موقع معادل ۱ دلار آمریکا بود تعیین شده بود. اما امروزه مبتنی بر سبدهای ۴ پول رایج بین‌المللی یورو، ین ژاپن، پوند استرلینگ و دلار آمریکا است که قابل تبدیل به پول‌های رایج دیگر هم هست. البته قرار است رنمینی چین نیز به عنوان پنجمین پول موثر از اول اکتبر ۲۰۱۶ به آن سبد اضافه شود. در مارس سال ۲۰۱۶، ۲۰۴٫۱ میلیارد SDRs ایجاد شده و به اعضاء اختصاص داده شد. (معادل ۲۸۵ میلیارد دلار). ارزش SDRs به دلار آمریکا به‌روز شده و در وب‌سایت IMF در دسترس قرار می‌گیرد. مجموع مقدار خاصی از ۴ ارز مذکور نیز به ارزش روز دلار آمریکا محاسبه می‌شود. ترکیب ارزهای موجود در سبد هر پنج سال توسط هیئت اجرایی بررسی می‌شود تا از نقش بارز این ارزها در مبادلات مالی و تجارت جهانی اطمینان حاصل شود. اعضاء IMF اغلب نیاز به خرید SDRs برای انجام تعهداتشان در مقابل IMF هستند و یا به‌منظور تعدیل ترکیب ذخایر خود، مایل به فروش SDRs می‌باشند. www.imf.org

5. Congruence of Liability and Coverage

6. Measures of reinstatement.

7. Costs of Preventive measures

8. absolute liability.

9. operator

۱۰. بر اساس جزء C بند ۱ ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۶۳ وین، واژه «اپراتور» در رابطه با تأسیسات هسته‌ای یعنی، «شخصی که توسط دولت دارای تأسیسات به‌عنوان متصدی تأسیسات هسته‌ای تعیین شده یا منصوب شده است.»

11. The liability of the operator for nuclear damage under this Convention shall be absolute.

12. Limitation of liability in time

13. Legal certainty.

۱۴. روش forumshopping شیوه‌ای است که بعضی از طرفین دعاوی خود را در دادگاهی اقامه می‌کنند که احتمالاً رای مساعدتری صادر خواهد نمود. البته این شیوه هزینه بر است و ممکن است منجر به اتمام سریع منابع مالی ای شود که متصدی می‌بایست از آن محل غرامت زیان دیدگان را بپردازد

۱۵. مواد ۳ و ۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اشعار می‌دارد: ماده ۳: «قوانین جزایی ایران درباره کلیه‌ی اشخاصی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال می‌شود مگر آن که به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد؛ و ماده ۴: «هرگاه قسمتی از جرم یا نتیجه آن در قلمرو حاکمیت ایران واقع شود، در حکم جرم واقع شده در جمهوری اسلامی ایران است.»

16. self- executing provisions

17. lucrum cessans.

18. Compensation principle.

۱۹. مغنیه، فقه‌الامام جعفرالصادق (علیه اسلام)، الأحكام الشریعه مُنزَلَةٌ علی الأفهام العرفیة لا الدقَّة العقیله
۲۰. یشرط فیہ أن یکون التفاوت بما لا یتسامح فیہ فی مثل هذه المعاملة و تشخیص ذلک موکول الی العرف و تختلف المعاملات فی ذلک، فریما یکون التفاوت بنصف العشر بل بالعشر مما یتسامح فیہ و لا بعد غنبا، و ریما یکون بعشر العشر غنبا و لا یتسامح فیہ، و لا ضابط لذلک، بل هو موکول الی العرف.



مراجع

- [1] Rimšaitė, Laura. Civil liability for nuclear damage: comparative analysis of international treaties, Social transformations in contemporary society. Lithuania: Mykolas Romeris university. (2013).
- [2] Stoiber, Carlton and [et al...]. Handbook on nuclear law. IAEA international atomic energy agency. (2003).
- [3] IAEA International Expert Group on Nuclear Liability (INLEX). (2004) The 1997 Vienna convention on civil liability for nuclear damage and the 1997 convention on supplementary compensation for nuclear damage explanatory texts. Available at www-pub.iaea.org.
- [4] B. Abbasi, Civil Liability Resulted from Nuclear Accidents and its Effect on Environment. Journal of Applied Environmental and Biological Sciences (2011).
- [۵] ف. جعفری، حوادث اتمی و اصول مسئولیت مدنی. مجله پژوهش‌های حقوقی. شماره ۱۳. (۱۳۸۷).
- [6] Pelzer, nobert. Main features of the revised international regime governing nuclear liability –progress and standstill. International nuclear law: history, evolution and outlook, 10th anniversary of the international school of nuclear law (oecd). (2010).
- [7] Deakin, Simon, [et al...]. Markesini and Deakins tort law clarendonpress. Vol. SIXTH Edition. Oxford: Oxford university press. (2007).
- [8] Dari-Mattiacci, Giuseppe. The Economics of prue economics Loss and the internaisation of multiple externalities. Available at <https://papers.ssrn.com>. (2003).
- [۹] ح. بادینی، بررسی تطبیقی قابلیت جبران ضرر اقتصادی در مسئولیت مدنی. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. شماره ۱. (۱۳۹۰).
- [۱۰] س.ف. ا. موسوی، ف. قاسمیان، جبران خسارت زیست محیطی در حقوق بین المللی. فصلنامه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. شماره ۱. (۱۳۹۰).
- [۱۱] ب. عباسلو، مسئولیت مدنی، چاپ اول. تهران: نشر میزان. (۱۳۹۰).
- [۱۲] ا. بابایی، مبنای مسئولیت کارفرمایان در ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی. پژوهش حقوق و سیاست. شماره ۵. (۱۳۸۰).
- [۱۳] ع. غریبه، دادگاه صالح و قانون حاکم بر مسئولیت بین المللی، کانون وکلای دادگستری آذربایجان شرقی و اردبیل. مجموعه مقالات حقوقی. مجموعه نخست. چاپ اول. (۱۳۷۹).
- [۱۴] ح. جعفری تبار، مسئولیت مدنی کالاها، چاپ اول. تهران. نشر دادگستر. (۱۳۸۹).



[15] Van Dyke, Jon M., The inadequate liability and compensation regime for damage caused by nuclear activities. Williams Richardson school of law. Available at www.gu.se/digitalAssets. (2010).

[۱۶] ن. ع. الماسی، حقوق بین الملل خصوصی، چاپ اول، تهران: میزان. (۱۳۸۲)

[17] Currie, duncan e. J. The problems and gaps in the nuclear liability conventions and an analysis of how an actual claim would be brought under the current existing treaty regime in the event of a nuclear accident. Available at www.law.du.edu. (2008).

[۱۸] ن. کاتوزیان، قانون مدنی در نظم حقوق کنونی، چاپ هفتم، تهران: نشر دادگستر. (۱۳۸۱).

[۱۹] ب. دوست محمدی، تعیین قانون حاکم بر مسئولیت مدنی در مقررات متحدالشکل رم دو و قانون ایران، سومین کنفرانس جهانی مدیریت، اقتصاد، حسابداری و علوم انسانی در آغاز هزاره سوم. (۱۳۹۵).

[۲۰] ج. جعفری لنگرودی، مجموعه محشای قانون مدنی (علمی، تطبیقی و تاریخی)، چاپ دوم، تهران: گنج دانش. (۱۳۸۲).

[۲۱] م. جعفری مجد، س. ی. حسینی. جبران ضرر اقتصادی محض. پژوهشنامه اندیشه های حقوقی. شماره ۲. (۱۳۹۱).

[۲۲] ج. جعفری لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد چهارم، چاپ سوم. تهران. گنج دانش. (۱۳۸۶).

[۲۳] ع. ا. شیروی، نقد و بررسی مقررات آیین دادرسی مدنی راجع به مطالبه خسارات قراردادی و تأخیر تأدیه. مجله مجتمع آموزش عالی. شماره ۹. (۱۳۸۰).

[۲۴] ف. ا. اصغری آقمشهدی، خسارت عدم النفع در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین المللی کالا مصوب ۱۹۸۰. مجله نامه مفید، شماره ۲۹. (۱۳۸۱).

[۲۵] ح. امامی، حقوق مدنی، جلد اول، چاپ هیجدهم. تهران. انتشارات اسلامی. (۱۳۸۵).

[۲۶] ن. کاتوزیان، الزام های خارج از قرارداد، مسئولیت مدنی، جلد اول، چاپ هشتم. تهران. انتشارات دانشگاه تهران. (۱۳۸۷).

[۲۷] س. ر. موسوی خمینی، تحریر الوسیله. جلد اول. قم: موسسه مطبوعات دارالعلم. چاپ اول (۱۴۰۹ ه.ق.).

